

تاریخ تمدن اسلامی

که حکمداران اسلامی در بنای ساختمانهای سلطنتی و معابد از استادان ایرانی و عیسوی استفاده کرده اند. بعضی از کلیساهای بزرگ بمساجد تبدیل شده که از آنجمله کلیسای سن ژان باپتیست در دمشق است که در قرن هشتم میلادی بجای این کلیسا مسجد بزرگی ساخته شد و ما این مسئله را از کتیبه ای که در بالای درب جنوبی مسجد مذکور ب زبان رومی ثبت است و حاوی جملات ذیل میباشد استنباط میکنیم: (ای مسیح پادشاهی تو در هر زمان و برای هر نسل است) بطور کلی عیسویان عبادتخانه های خود را نگاهداری کردند و بدون هیچگونه مانعی معابد تازه نیز برای خود ساختند عهدنامه منعقد از طرف خلیفه دوم عمر دایر بر اینکه عیسویان کلیسا بسازند و عبادتخانه های خود را تعمیر نکنند اصل و اساس نداشته و بعداً بنام او درست شده است. در کشورهای قلمرو حکومت خلفای راشدین ممتد از دماغه سن و نسان واقعه در جنوب پرتگال تا سمرقند مؤسسه های دینی ثروتمند عیسوی زیاد بود و این مؤسسه ها املاک موقوفه غیر منقول خود را نیز نگاهداری کردند عیسویان کشورهای خلافت اسلامی بدون هیچ مانعی با محیط عیسوی خارج روابط داشته اند و آزادانه از مؤسسات دینی خود اعانه قبول میکردند. در اجتماع مجلس منعقد در کلیسای اسلامبول در سال (۶۸۰-۶۸۱م) نماینده بیت المقدس هم حضور داشته و عیسویان ساکن قسمتهای مختلفه از ارضی خلافت باهم دیگر نیز روابط محکمی داشتند. در دوره فتوحات صنعت تنهادر مصر پیشرفت کرده بود و خلفا برای اشاعه دادن آن در سواحل سوریه مخصوصاً شهرهای عکا و صور چاره جوئی میکردند. چندی پیش از حوالی سال ۷۲۰ میلادی فلسفه یونانی مجدداً از اسکندریه به انطاکیه آورده شد

فلسفه یونانی در عالم اسلام - در نیمه دوم قرن هشتم میلادی

عیسویان در آموختن فلسفه یونانی بمسلمانان کمک کردند، اقدامات خلیفه المنصور (۷۵۴ - ۷۷۵ م) در دربار بیزانس برای آوردن کتب خطی ریاضی از بیزانس در بعضی از منابع ذکر میگردد. یکی از بزرگترین مترجمین زبان یونانی عبری و سریانی در قرن نهم میلادی حنین بن اسحق عرب عیسوی است که تقریباً مدت دو سال در بیزانس اقامت کرد و در آنجا زبان و ادبیات یونانی را یاد گرفته و کتب خطی را به همراهی خود بکشورهای عرب آورده است.

مسلمانان برای یاد گرفتن زبان و ادبیات یونانی غیر از راه بیزانس راه دیگری نیز داشتند، مدرسه طب جندی شاپور چند قرن بعد از فتوحات اعراب نیز دوام داشته، با وجود این پنهان داشتن پزشکهای جندی شاپور علم خویش را در میان خود و یاد ندادنشان باشخاص بیگانه ذکر میگردد. اقامت ثوفیلوش ادسی، هیأت شناس معروف دربار خلیفه المهدی (۷۷۵ - ۷۸۵ م) در بیزانس بخوبی معلوم نیست.

حرکات شعوبیه: عناصر غیر مسلم و غیر عرب ساکن ممالک اسلامی در دوره های پیشین نسبت به اعراب متمدن تر بودند. پیشرفت ایشان سبب تولید بعضی اختلافات داخل ممالک اسلامی شد که باسم شعوبیه (از کلمه شعب) مشهور شدند در نتیجه جدیتی برای پیشرفت تمدن ملی و یا تمدن زینی در میان این طبقات دیده شد مثل اقوام مختلفه عیسویان، یهودیان، ایرانیان زردشتی یونانیان مجوس شهر حران واقعه در بین النهرین. قرن نهم میلادی باز قرن ترقی بیزانس بود ولی خلافت از نقطه نظر اینکه عناصر مختلفه با هم دست یکی شده بودند بر بیزانس برتری داشت. بواسطه آزادی دینی که تا یک اندازه قرآن کریم اجازه میدهد برای نشر تمدن میدان پهنائی وجود داشت و جهد اقوام مختلف برای پیشرفت ملت خود مانع از اخذ تمدن و آموختن علم یکدیگر

نبود چنانکه علم آموزی عیسویان به مسلمانان و زردشتیان مانعی نداشت بر عکس آن استادی مسلمانان را نیز بر آنان معارضی نبوده و چند که عیسویان بواسطه نزدیکی به هلنیسم (یونانیت) از نقطه نظر علمی و مدنی تفوق داشتند ولی نتوانستند این برتری خود را تا انجام کار نگاهداری کنند.

از دست دادن مسیحیان: با اینکه مسیحیان پیش از مسلمین با علم برتری تمدن به مسلمین را و فلسفه یونانی ارتباط داشتند اما وظیفه پیشرفت دادن علم و تحقیقات و تتبعات علمی در مدت خیلی کمی بعد از مسلمانان واگذار شد. حتی از میان مترقی ترین اقوام عیسوی که عبارت از مسیحیان سریانی مشرق باشد تنها کسیکه بتواند رقیب فارابی و ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی و ابن رشد باشد بظهور نرسیده است. بهترین و جدی ترین دانشجویان، استادان عیسوی و زردشتی همانا مسلمانان بودند.

در نتیجه پیشرفت و ترقی تمدن اسلام و عرب روابط قدیم سریانیها با هلنیسم از بین رفت، زبان و ادبیات عربی در برنامه تحصیلات عالی جای زبان و ادبیات یونانی را گرفت ولی باز نمیتوان گفت که اهمیت تمدن شرق عیسوی و تأثیر آن در تمدن دنیا پس از پیشرفت تمدن اسلامی بکلی از بین رفته است. پیشرفت علمی و صنعتی مسلمین در مدت مزبور تنها از حیث کمی نبوده کیفی نیز میباشد. در نیمه دوم سده یازده میلادی هنوز کارهای فکری مانند شغل کتابت و طبابت در دست عیسویان و بازرگانی و هنرپیشگی در دست یهودیان بود، در قرن دوازدهم بین مذاهب مختلفه در سوریه ائتلافی بمیان آمد و میان دو مذهب نسطوری و یعقوبی نزدیکی بوجود پیوست و هر چند که پیروان این دو مذهب عقاید و طرز و عبادت خود را نگاهداری کردند ولی نسبت به همدیگر بطور مسامحه کاری رفتار نمودند.

اوضاع اجتماعی عیسویان : - از اواسط قرن نهم اوضاع و احوال عیسویان در کشورهای اسلامی رفته رفته بدتر شده و سبب آن ترقی مسلمانان و بر طرف شدن نیازمندی ایشان از عیسویان بود ، سبب دیگری نیز شاید فشار وارده بر مسلمانان و یهودیان ساکن ممالک عیسوی در قرون وسطی بوده است ولی بهر صورت ظلم و جور و تعدی وارده بر مسلمانان را در اسپانیا هرگز يك عیسوی ساکن کشورهای اسلامی ندیده است . بطور کلی اخذ جزیه بموجب دستور قرآن کریم و داشتن لباس مخصوص غیر از لباس مسلمانان بنابه عهدنامه مشهور دوره خلافت عمر با اقوام غیر مسلم کاملاً تطبیق نمیشد .

کارمندان بلند پایه عیسوی نیز مانند مسلمانان لباس می پوشیدند و مردم نسبت بطبقه سوم برای خود نفوقی قائل بودند که اینکار در نتیجه سبب بعضی از اغتشاشات برضد عیسویان شده و منجر بفارت اموال و کشتن بعضی از ایشان گشت .

در مواقع فتنه و تولید اختلافات حقوق اهل ذمه بیش از حقوق مسلمانان از بین میرفت . کلیسا موقوفه های غیر منقول خود را که ثروت مهمی بود کم کم از دست داد ولی در قرن چهاردهم میلادی در مصر پس از مصادره زیاد املاک کلیسا باز ۱۱۲۵۰ دساتین اراضی در دست مسئولان امور کلیسا بود جز از گوشه غربی ایران در تمام نقاط عیسویت بکلی از بین برداشته شد و اسباب چگونگی کارهنوز بخوبی معلوم نیست در مصر و افریقای غربی با آنکه عیسویت از بین رفت ولی اسامی یونانی و رومی در بعضی نقاط هنوز بر جای مانده است ، مانند (طرابلس نام شهر Tripoli و اطراف آن و نام شهر قسطنطین در الجزایر) و سبب چگونگی از بین رفتن عیسویت نیز در این قسمتها باز بخوبی معلوم نیست .

این سبب را شاید در نتیجه بیشتر ضرر دیدن افریقای شمالی از فتوحات

عرب نسبت بسایر نقاط واستیلای طوایف بدوی در اواسط قرون وسطی دانست و توضیح داد . شهر کار تاژ بنای رومیها و بروایتی دوم شهر بزرگ ایشان پس از روم در قرن هفتم از طرف اعراب خراب گردیده پس از این دیگر تعمیر نشده است .

کشورهاییکه مسلمین از دست داده اند : تاریخ کشورهای مفتوحه اسلامی که مجددا بدست عیسویان افتاد و هنوز آثار تمدن اسلامی در آن نقاط باقیست شایان دقت میباشد، ممالک مزبور عبارتند از: اسپانیا که در دست پادشاهان کاستیل بود که در اواسط قرن سیزدهم میلادی جدول مشهور هیأت در آنجا برای آلفونس دهم تنظیم شده است .

سیسیل و ایتالای جنوبی که در دست پادشاهان نورمان بوده و بعد بدست خانواده هوهنشتوفن افتاد پادشاهی گرجستان در قرن یازدهم سیزدهم میلادی ارمنستان و گرجستان که از قرن هفتم هیأت ذیل جداگانه تشکیل میدادند و با اینکه بواسطه تأثیر افکار دینی هیأت تاثیر تمدن یونانی واقع بودند ولی باز نتوانستند از تأثیر تمدن اسلامی (عرب و ایران) خلاص شوند .

خواه ادبیات گرجی خواه ارمنی با ادبیات ایران نزدیکی نشان میدهد . بطور کلی پس از دست دادن استقلال سیاسی خود با وجود عدم مساعدت اوضاع محیط خارج مردم عادات و رسوم و عقاید دینی خود را بطور کلی و محکم نگهداری کردند . در قرن هفدهم شاه عباس کبیر چنانکه ساسانیان با اهالی سوریه کرده بودند ارامنه و گرجیها را برای پیشرفت دادن صنعت بداخله ایران کوچانید . در قرن هفدهم میلادی ارامنه شروع به ارتباط با تمدن اروپائی کرده و در قرن هیجدهم گرجیها نیز تأثیر این مسئله را فهمیدند .

عیسویان مشرق و اروپائیان در مصر و سوریه نیز اروپائیان عیسویان محلی را بچشم متفکین خود نگاه کرده و مدت‌های زیادی در کلیساهای ایشان زندگی و زبان عربی را یاد گرفتند و برای شناسائی بهتری با محیط خارج و مردم خود را آماده ساختند. بنا بر این آثار و نوشته‌های مورخین عیسوی عرب المکین و ابوالفرج پیش از سایر آثار عربی و اسلام (در قرن هفده) در اروپا با ترجمه و پخش شد و در همین هنگام که میان اعراب عیسوی آرامنه نیز وجود داشتند در تحت تأثیر اروپا دوستان معنوی جدیدی بظهور رسیدند. عیسویان مشرق را اختلاف بزرگ دینی مانند مسلمین از اروپا جدانمی ساخت گذشته از این ایشان چندان در تحت تأثیر ادبیات ملی و شخصی واقع نشده بودند از اینرو نه تنها علم یونانی بلکه ادبیات آن نیز خواه در قرون وسطی، خواه در اعصار جدید در میان ایشان رواج داشته است.

جریانات های : يك عیسوی سریانی کتاب ایلیاد و اودیسه را در قرن هشتم میلادی بسریانی ترجمه کرده بود و اعراب عیسوی آنرا در قرن نوزدهم میلادی بعربی ترجمه کردند یکی از علمای روسی موقع مراجعت خود از سوریه در سال ۱۸۶۴ گفته است : (عیسویان شرق نسبت بمسلمین آن در قسمت علمی پیشرفت کرده اند) فقط عیسویان مشرق هیچگاه اروپائیان را به ملت و هموطنان مسلمان خویش ترجیح نداده اند.

بنا بر گفته یکی از علمای تاریخ ادبیات روسی، عیسویان مشرق ظلم و ارده از مسلمین را بر خود به تحکم اقوام لاتینی ترجیح داده اند. در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی آرامنه اوچمیاژ بدربار شاهنشاه ایران مراجعت کرده و ممانعت تبلیغات کاتولیکی را در میان خود از شاهنشاه خواسته اند توضیح اقتصادی اروپائیان در مشرق میان عیسویان نیز با اندازه مسلمانان محسوس است.

در سال ۱۹۱۲ در جواب مقاله محوری مسلمان در تحت عنوان (اتحاد اسلام) نویسنده عرب عیسوی دیگری در روزنامه خود چنین مینویسد: (نه تنها مسلمانان بلکه تمام مشرق بدون ملاحظه اختلاف دینی باید اتحاد کنند) نه تنها اتحاد اسلام بلکه اتحاد مشرق لازم است در نتیجه تأثیر افکار اروپائی ساکنین شرق نزدیک اتحاد ملی را بر اتحاد دینی مقدم شمرده، احتمال تحقق اتحاد اعراب مسلمین و اعراب عیسوی برای نجات دنیای عرب در نسل امروزی بیشتر است. نویسنده عرب امروزی امین ریحانی در نوشته‌های خود نسبت بکتابهای مذهبی عیسوی و مسلمین جمله‌هایی بطور مخصوص مینویسد که خواننده را برای فهمیدن عیسوی یا مسلمان بودن دچار اشکال میسازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خلافت و ابتدای تمدن عرب

فتوحات اعراب : در مدت هفت قرن باولین و آخرین دفعه در تاریخ از شبه جزیره عربستان دولتی بزرگ که قسمت مهم دنیا را زیر اداره خود گرفت ظهور کرد . اما در دوره های پیش از تاریخ خروج اقوام سامی از عربستان و گرفتن سوریه و عراق را در زیر اشغال خود احتمال دارد . حرکات اعراب در مدت این هفت قرن جز بعضی هجومهای کوچک که نمیتوان ما هیت فتوحاتی بر آنها قائل شد خارج از شبه جزیره عربستان نبوده است .

انتشارات دین اسلام و زبان عرب : از دوره کارتاژیها بیعد از سال ۴۰۱ پیش از میلاد به اراضی واقعه در جنوب مصب رودها بور واقعه در قسمت شرقی فرات عربستان نامیده میشد از دوره استرابون بیعد در قرن اول میلادی شهرهای قطبی واقعه در مصر علیانیز تقریباً نیمه عرب بودند اعراب تبعه دولت بیزانس ساکن سوریه و اعراب تبعه دولت ایران ساکن بین النهرین بیشتر بجنگهای مابین دو دولت اشتراک میکردند . اعراب در قرن های هفتم و هشتم میلادی توانستند اقوام و مللی را که از حیث برتری تمدن برایشان قابل قیاس نبودند بزیر حاکمیت خود در آورند .

ایشان نه تنها مثل ژرمنهای اروپا و مغولهای آسیا بودند که ملیت خود را نگهداری کنند بلکه اراضی مفتوحه مصر و سوریه و افریقای شمالی را بزور و قوت دولت بلکه کاری اختیاری شده بود که هر کس بامیل و رغبت خویش آن زبان را نوشته و میخواند. انتشار دین اسلام در اراضی مفتوحه سیستم مالی خلافت را ضربه وارد آورد و انتشار زبان عرب در میان اقوام غیر مسلم از طرف دولت هم بی معارض نبود.

تکلم غیر مسلمین (عیسویان) بزبان عربی و تحصیل اولاد ایشان در مدارس علمی مسلمین ممنوع شد و با وجود این اکثر اهالی دین اسلام را بدین خود ترجیح داده و بدان گرویدند و اقوام غیر مسلم ساکن ممالک اسلامی نیز زبان عربی را یاد گرفتند. ترویج زبان عربی رامیتوان بصورت ذیل توضیح داد.

مسلمین مثل اقوام ژرمن و مغول و ایرانیها تنها بقوه سلاح تکیه نکرده اند اعراب در قرن هفتم میلادی زبان ادبی که از حیث قدمت فکری کاملاً ترقی کرده بود بوجود آورده، فصاحت و شعر میان ایشان مرتبه مهمی را حائز بود، صنایع ادبی معلوم آن روزی سجع، نثر، اوزان متعدده برای نظم شعر پیدا کرد و برای بیان واقعهها طرز مخصوصی ایجاد نمود و بهمین مناسبت فضلا و بلغا برای وصف قهرمانان قبایل خود و یا هجوم دشمن اشعار شیرینی بکار میبردند. در مقابل اشعار بدویان شهر نشینان اشعار ظریفی که مخصوص بخود آنها بود داشتند. و قریش ساکن مکه در این قسمت بخوبی پیشرفت کرده بود.

اقوام قریش ساکن مکه و طوایف مقیم طایف با اینکه در مرحله اول نسبت بحضرت رسول (ص) بچشم دشمنی نگاه میکردند ولی پس از تشکیل دولت اسلامی در زمره کارکنان آن واقع شدند و بالاخره حدیث (امام، خلیفه باید از قبيله قریش باشد) بحضرت رسول (ص)

استناد کردند در اراضی مفتوحه قریش ساقفی ها در انجام دادن کارهای اداری و بنای شهرها ریاست میکردند.

بطور کلی اعراب غیر نظامی لشکریان عرب را تعقیب میکردند و ایشان برای توسعه تمدن عرب (اسلامی) در اراضی مفتوحه خدمات بزرگی راعهده دار شده اند طرز معماری شهر های متمدن اسلامی را مثل سایر قسمتهای زندگی اسلامی مخلوطی از معماری عرب و معماری محلی تشکیل میدهد. سیاحان اروپائی در شهرهای اسلامی پس از دیدن بنای منازل در درون باغچه ها (حیاط) که محدود بدیوارهای بلند بود و تنها بنای دکاکین در قسمت خیابان و کوچه شده بود.

این روش را مختص مسلمین میدانستند ولی پس از کشف شهر بمبئی معلوم گردید که در زمانهای قدیم شهرهای یونان نیز بهمین ترتیب بنامی شده و پس از اینکه چند نفر اروپائی مکه مکرمه را زیارت کردند خانه هائیکه پنجره های آنها مشرف بکوچه و خیابان ها بود دیدند و تعجب کردند.

خانه های مزین و آراسته و بزرگ شهرهای یمن نیز دقت سیاحان اروپائی را جلب کرده، هنوز بخوبی معلوم نیست که این بناها بطرز معماری محلی ساخته شده یا اینکه در تحت تأثیر طرز معماری خارجی (هندی) بنا شده اند

شهرهای جدید البناى اسلامی: عربها پس از دخول بزندگانى شهری بازمدتی طرز زندگی و اخلاق بدوی خود را نگاه داشتند روابط بین اهالی يك قبیله از روابط بین اهالی يك شهر بیشتر بود.

هنگام فتح شهر خارجی و یا بنای شهر تازه محله های مخصوصی برای هر يك از قبایل بنا میشده، وجود دیوارها و دروازه های داخلی (غیر- از بارو و دروازه های خارج شهر) مابین محله های مختلفه بعضی از شهرها

مانندشام هنوز نشانه این طرز زندگانی عربها میباشد. عربها این عادت خود را بایران نیز آوردند چنانکه بنای شهر مرود در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی نیز بهمان شکل بوده.

شهر همدان امروزی دیوار خارجی نداشته و دیوار داخلی مابین محله‌های شهر وجود دارد که دروازه‌های این دیوار شبها بسته میشود و از این دیوارها در محله‌های کنار شهر نیز دیده میشود.

در قرن هفتم میلادی مسلمانان در سوریه شهر جدیدی بنا نکردند. در قرن هشتم در زمان خلافت سلیمان (۷۱۵-۷۱۷ م) شهر رمله واقع در سر راه بیت المقدس بنا گردید و با وجود اهمیت دینی بیت المقدس کم کم آبادانی پیدا کرده و تجار بطرف شهر رمله آمد و شد کرده و رفته رفته وظیفه بزرگترین و اولین شهر فلسطین را عهده دار شد. ولی اهمیت رمله تنها از نقطه نظر محلی بود و در قسمت انتشار دادن تمدن اسلامی رل مهمی بازی نکرده است.

در سوریه شهر قدیمی شام مرکز زندگانی مدنی و سیاسی گردید. اوضاع شهر شام با اوضاع پایتختهای امروزی قابل قیاس نمیشد چه تا نیمه دوم قرن دهم میلادی شهر شام به قسمت بیرون دیوارهای سنگی خود وسعت پیدا نکرده است طول خیابانهای شهر که از دروازه شرقی تا دروازه غربی امتداد داشت بیش از دو کیلو متر نبوده است و فاصله بین دروازه شمالی و جنوبی نیز قدری کمتر از این میباشد.

در وسط شهر میدانی بزرگ بوده و در وسط میدان معبدی واقع است که این معبد نخست مال بت پرستان و پس از آن بعسویان و بالاخره مسجد مسلمین گردیده است و همان کلیسای سن ژان باپتیست در اینجا بوده که در هنگام خلافت ولید اول (۷۰۵-۷۱۵ م) عیسویان مجبور شدند که معبد مزبور را بمسلمانان واگذار کنند و بجای آن کلیسا، مسجد بزرگ جامع

امیه که در عالم اسلامی از حیث تزئینات کمتر نظیر آن بنا گردید، قصر سلطنتی بنی امیه نیز در نزدیکی مسجد فوق الذکر بود که این قصر در قرون وسطی بکلی از بین رفته است. بعد از شهر شام لشکر گامهای جابیه و دایک (واقع در شمال حلب) شهرهای درجه دوم سوریه را تشکیل میدادند که بعضی از این لشکرگاهها بعداً رفته رفته شهری بزرگ شده و موجبات از اهمیت افتادن شهرهای مرکزی قدیمی گردیدند.

یکی از این شهرها شهر القاهره میباشد که اعراب در کنار رود نیل لشکرگاهی بنام فسراط (کلمه یونانی Fossaton بمعنی احاطه شده با خندق) بنا کردند که این شهر در ساحل رود نیل مسافتی را بطول پنج و بعرض یک کیلو متر اشغال میکرد در وسط این شهر هم میدانی بزرگ بود و مسجدی که بنام فاتح مصر جا مع عمر در آنجا و نزدیکی آن بنای عدالتخانه ای بوده است.

شهر قیروان خراب شده واقع در تونس و شهر کوفه واقعه در ساحل رود فرات و بصره در کنار شط العرب و شیراز در ایران نیز بهمین ترتیب در آغاز کار لشکرگاه بودند. بعد از گذشتن دوره فتوحات اعراب شهرهای دیگری نیز ساخته اند که این شهرها مدت زیادی اهمیت خود را نگاه داشته اند مانند شهر فاس در اواخر قرن هشتم و شهر گنجه واقعه در قفقازیه در قرن نهم میلادی بنا شده است.

اعراب تنها یک دفعه در تاریخ شهرهای قبل از اسلام واقعه در نزدیکی این لشکرگاهها را خراب کرده اند و آنهم عبارت از شهر باکتریای قدیم (بلخ فعلی) واقعه در کنار رود آمویه که در نزدیکی آن قلعه بادوکان واقع شده است.

زندگانی شهری در ایران و ترکستان : - در قسمت ایران و ترکستان مسلمانین به تبدیل اوضاع شهری قدیمی و پیشرفت شهرها خدمت

بزرگی کرده‌اند. شهرهای پیش از اسلام این کشورها عبارت بوده از یک قلعه بنام دژ و بناهای شهر حقیقی اطراف بنام شهرستان بوده. معنی اصلی شهرستان محل اقامت حکومت است که عربها نیز کلمه مدینه را که بهمین معنی میباشد از اهالی سوریه گرفته و در زبان خود داخل کرده‌اند.

میدان و سراهای تجار نیز در درون شهرها نبوده بلکه در بیرون باروی شهر در نزدیکی یکی از دروازه‌ها واقع بود. لفظ غیر سامی و غیر ایرانی بازار (بمعنی کار جنب دروازه) که داخل در زبانهای ایرانی و سامی گردیده شاهد این معنی است.

در دوره اعراب رفته رفته کار و اشغال زندگانی از بیرون به درون شهرستانها آمده و نشیمنگاه هنرپیشگان و بازرگانان تغییر محل داد و در این حوالی نیز شهرهایی شبیه به شهرهای آسیای نزدیک کم کم بنا و احداث گردید، خصوصیات این طرز معماری عبارت است از: خیابانی که قسمت شمالی شهر را جنوب و شرقی آنرا به غرب مربوط میساخت و در دو طرف آن دکا کین و حجرات تجار و کسبه قرار داشت و در وسط شهر هم میدانی احداث مینمودند که بزرگترین مسجد شهر در آن محل بنا میشد.

تجار مسلمان نیز در تجارت راه عیسویان و یهودیان را پیش گرفتند. در شهر مرو زندگانی تجارتی از بیرون شهر به قسمت غربی شهر و ساحل ترعه مجان تغییر محل داد که پیش از تسخیر مرو آمدن مسلمانان در این قسمت عیسویان زندگانی میکردند.

در نزدیکی شهر بزرگ اصفهان واقعه در مرکز ایران قصبه کوچک یهودی نشین وجود داشت که در قرن دهم میلادی این قصبه با اندازه دو برابر شهرستان اصلی بزرگ شده و حائز اهمیت گشته بود. شهرهای بالنسبه بزرگ والی نشین و مراکز حکومتی بود. در این قسمتها اعراب نیز در تحت تأثیر عادات اقوام مغلوب واقع شده‌اند.

تأثیر تمدن ایرانی در تمدن عرب از زمان خلیفه دوم عمر (۶۳۳-۶۴۴ میلادی) دیده میشود. دوایر حسابداری و کتابت احداث شده است حتی کلمه دیوان بمعنی Chancellerie نیز با قرب احتمال فارسی الاصل میباشد.

در اراضی که در قدیم تحت تصرف بیزانس بود کلمات و اصطلاحات یونانی و لاتینی اخذ و استعمال شد مانند کلمه قسطور *kester* در مصر که مأخوذ از کلمه *quester* میباشد.

بقایای تمدن ایران و بیزانس و تأثیر آن در اسلام: - شغل کتابت در دوره عرب در دست مأمورین محلی مانده و بزبان محلی (فارسی و یونانی) اندازه میشد و فقط در اواخر قرن هفتم میلادی شروع با استعمال زبان عربی گرد است و از این دوره به بعد کم کم در ضرب سکهها نیز حروف عربی بکار رفته است.

در اراضی مفتوحه از بیزانس در روی مسکوکات علامت صلیب و در اراضی ایرانی (ساسانی) تصویر آتشکده و جاهای قربانی جهت آتش وجود داشت. عربها در اراضی بیزانس با اصول پول طلا و در اراضی ایرانی با اصول پول نقره مصادف شدند و این اصول تا مدتی پس از تصرف ایشان نیز دوام داشت. میان مسلمین اسم سکههای نقره کلمه درهم (مأخوذ از کلمه یونانی *Drahmos* که در دوره اسکندر از یونان بایران آمده است) و اسم سکههای طلا دینار (مأخوذ از کلمه لاتینی *Dinarius*) اقتباس شده است. و اسم پول سیاه مسی فلس (مأخوذ از کلمه یونانی *obolos*) میباشد. دینار در دوره بنی امیه در دمشق در دوره عباسی در بغداد ضرب میشده ولی درهم در شهرهای بزرگ و در ولایات نیز ضرب میشد و فلس تنها قیمت محلی داشت.

در قسمت شرقی ایران و آسیای مرکزی تنها در قرن دهم میلادی وزن هر دینار باندازه يك مثقال بوده ، درهم نسبتاً کوچکتر و قیمت آن معادل با $\frac{1}{4}$ قیمت دینار بوده ، مسلمین از دوره پادشاهان ساسانی تا دوره اخیر مانند دول اروپای غربی برای نگهداری تفاوت قیمت طلا و نقره در يك عیار در ادوار مختلفه کوشیده‌اند ولی هیچگاه قادر به حفظ تفاوت قیمت و تعادل مابین این دو جنس رایج در بازارهای تجارتنی نشدند و قیمت نقره نسبت بطلا همه وقت تفاوت بازاری داشت چنانکه گاهی ترقی وزمانی تنزل قیمت پیدا مینمود .

تأثیر ملل مختلفه در امورات اداری و کارهای محلی دیده میشود . در اصطلاحات کارهای اداری دولتی خلافت اسلامی کلمات مأخوذه مرکب از زبانهای مختلف دیده میشود مانند کلمات مأخوذه از بیزانس در اراضی مفتوحه ایران و کلمه های فارسی در نقاط مفتوحه بیزانس در آن دوره باداره مناقلات اخبار دولتی لفظ برید مأخوذ از کلمه یونانی Viridas اطلاق میشود در صورتیکه یونانیان بجای این کلمه لفظ آنگاروس (مأخوذ لفظ فارسی Angurus) بمعنی پست از ایرانیان گرفته و بکار میبردند.

کلمه فارسی چند پیش از حضرت رسول (ص) نیز در میان اعراب در شهرهای سوریه پیش از آنکه لشکر گاهها بصورت شهر درآید در آنجاها معمول بوده اما اراضی مفتوحه از بیزانس در دوره خلفا به چند جندی تقسیم میشد به امرای لشکر گاههای موجوده در ولایات کلمه امیر مصر یا لفظ امیر چند یکجا اطلاق میشد ، مصر بمعنی شهر کلمه یمنی بوده و آن غیر از کلمه ای است که در فارسی رستک (روستا) بمعنی دهکده میباشد و در لغت عرب محافظین پادشاه یا امیر حراس و پلیس نظامی شرطه گفته میشود و در رأس ایشان رئیسی که بمنزله دست راست امیر بود وجود داشت .

اما این عناوین با احتمال قوی مأخوذ از ایران میباشند هر چند که خلفا یکدفعه مانند حکمداران ایرانی مستبد نگشتند ولی اسلوب اداره کشور ایران برای ایشان سرمشقی برای اداره کشورهای اسلامی بود، حتی خلیفه ولید اول مانند حضرت رسول (ص) در تسمیه خود تنها بذکر نام خویش قناعت میکرد.

خلیفه هر چند در امورات دولتی تابع رسوم ایران گردید اما در قسمت کارهای مادی بیزانسی را رویه خویش ساخت. صنعت ریسندگی و بافندگی مصر که در دوره خلافت به شهرهای ایران و ترکستان نیز تأثیری بخشیده و قماشهای موسوم به قماش مصر در شیراز و ترکستان نیز معمول بوده در اواخر مسلمانان موقعیت اولی را در صنعت به چینیها و دومی را به یونانیها دادند.

مؤلف ایرانی قرن چهاردهم میلادی عوفی و سیاح اسپانیائی قرن دوازدهم کلاوینرو گفته ذیل را از زبان مسلمین عینا نقل مینماید، چینیها در کارهای صنعتی تنها خود را بصیر و دیگر اقوام را کور میدانند، ولی یونانیها در این قسمت استثنائی قائل شده و ایشان را بیک چشم مینگرند. مرتبه اول تمدن را مخصوص یونانیها میدانستند.

ترجمه کتب یونانی عبری بدست یاری عیسویان بیشتر از دیگران صورت گرفت و یکی از دوستان علوم یونانیها خالد که پیش از چهل سالگی در سال ۷۰۴ میلادی وفات یافته است در سال ۶۸۳ موقع وفات پدرش هنوز کوچک بود و او پسر خلیفه بنی امیه یزید اول است که بعضی از آثار ترجمه شده یونانی از کتب هیئت و کیمیا و طب را باونسبت میدهند حتی بعضی ها کشف حجر فلسفی را از طرف او که برای طلای مصنوعی بکار میرفت قائل میباشند.

(ناتمام)